

آینه‌های بی غبار

رنگی نامه و آثار شهدای دانشجوی
راستگاران بین‌المللی امام خمینی (ره)

کامبیز فتحی لوشانی

سرشناسه : فتحی لوشانی، کامبیز، ۱۳۴۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : آیین‌های بی‌غبار: زندگی‌نامه و آثار شهدای دانشجویی دانشگاه بین‌المللی امام
 خمینی(ره) / کامبیز فتحی لوشانی.
 مشخصات نشر : قزوین: سایه گستر؛ ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۳۲۲ص. مصور.
 شابک : 978-600-374-328-1
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه
 موضوع : شهیدان -- ایران -- قزوین -- سرگذشتنامه
 رده بند کنگره : DSR ۱۶۲۵/ف ۹۱۲۵ ۱۳۹۵
 رده بندی دیویی : ۰۸۴۳۰۹۲/۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۳۶۸۵۴

انتشارات سایه گستر
 www.sayegostar.com

آدرس: قزوین، چهارراه نادری، جنب داروخانه قائمیه، پلاک ۱۰، طبقه ۲ ☎ ۰۲۸-۳۲۲۲۵۲۰۵-۲۲۲۸۰۳۳

آیین‌های بی‌غبار

- مؤلف: کامبیز فتحی لوشانی
- ناشر: سایه گستر
- صفحه‌آرا: میثم فلاح
- نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۵
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۴-۳۲۸-۱
- لیتوگرافی و چاپ: عمران

ارتباط با مؤلف: ۰۹۱۲۵۸۱۴۶۲۳- E-mail : kambiz.fathi44@yahoo.com



فهرست

۱۷	مقدمه
۲۱	یادمان شایسته‌ای گمنام دانشگاه
	آینه‌ها (شهید - مران عیار اسدی)
۲۷	زندگی‌نامه شهید مهرازان عیار اسدی
۳۳	وصیت‌نامه شهید مهرازان عیار اسدی
۴۱	مقالات (۱۳۵۴-۱۳۵۰)
۴۳	فرزای ما آغاز اولین مبارزات و بنیان‌های محکم اخلاقی می‌باشد
۴۵	ایمان به خدا
۴۶	اثر نامطلوب شکست را هرگز احساس نکردم
۴۷	آزادی زن
۴۸	شاعر، آشتی و یگانگی را می‌خواهد
۵۰	ای کاش من هم در راه ملت و میهنم شهید می‌شدم
۵۰	ترس از حکومت یعنی حلق آویز کردن آزادی مثبت
۵۱	اولین گروهی که وارد جنت پاکان می‌گردند، بندگان بی‌گناه هستند
۵۳	خداوند! زبانم را شیرین فرما تا بتوانم بیانم را ادا کنم
۵۴	من با شعرهایم خدا را می‌پرستم
۵۵	عشق به خدا یعنی اندیشیدن و درک حقیقت
۵۵	مدال واقعیت در ماورای محدودیت‌های زندگی قرار گرفته
۵۷	هفت سکوی سعادت و سرافرازی
۶۲	درست این است که پیشوای دینی فقط یک نفر باشد
۶۳	کتاب، کلید و رمز فرهنگ‌داری است
۶۴	محتوای این عالم را حکمت فرا گرفته
۶۵	دل‌نوشته‌ها (۱۳۵۴-۱۳۵۰)
۶۷	دل‌نوشته‌های ادبی



۶۹	معید
۷۵	مهر پاییز
۷۶	میله‌های نظام
۷۷	بادی که از مغرب وزید
۷۸	دیوار سرشکسته
۷۹	فانوس‌های دوداندود
۸۲	زن سی چیست؟
۸۵	خانم مهران
۸۷	انقلاب سفید
۸۸	مظهر شاهر
۸۹	هفت کوه بلند
۹۶	لعل سهیلا

آینه دوم (شهید مسعود مافی)

۱۰۳	زندگی‌نامه شهید مسعود مافی
۱۰۵	شناسنامه‌ای که نسوخت
۱۰۸	وقتی ایثار رزمندگان را می‌بینم دچار خودکم‌بینی می‌شوم
۱۰۹	سرنوشت جنگ را اراده انسان و ایمان تعیین می‌کند
۱۱۰	سعی کن درست را خوب بخوانی تا بزرگ شدی خراب با آمریکا بجنگی
۱۱۱	همه شاد و خندان، همه خوشحال از کربلا می‌گویند
۱۱۲	این‌ها انسانند یا فرشتگان
۱۱۳	استقلال واقعی، استقلالی است که امام می‌گوید
۱۱۵	ما در این جا به فکر شیوه‌های مردمی برای پیروزی در جنگ هستیم
۱۱۷	تنها راه آزادی قدس، از کربلای سرخ می‌گذرد
۱۱۸	دو برادر به فاصله دو روز شهید شدند
۱۱۸	این دفعه که آمدی مادرت را ببوس
۱۱۹	دیدار در بهشت زهرای تهران
۱۱۹	وصیت‌نامه شهید مسعود مافی
۱۲۴	اسناد و مدارک ضمیمه

آینه سوم (شهید سیدناصر سیاهپوش)

- زندگی‌نامه شهید سیدناصر سیاهپوش ۱۳۱
- لذت‌بخش‌ترین نماز شب ۱۳۴
- از نظر شرعی پشت سر منافقین نمی‌شود نماز خواند ۱۳۴
- رضایت‌نامه برای رفتن به جبهه ۱۳۵
- عمر سید ناصر کوتاست به او زن نمی‌دهیم ۱۳۵
- من بدون ناصر به قزوین بر نمی‌گردم ۱۳۶
- سیدنا با شهادت، خوشبخت شد ۱۳۶
- سید ناصر حاصل بزرگواری پدرش بود ۱۳۶
- صدای کف‌زدن تا خانه عمه جان هم می‌آمد ۱۳۷
- ما نمی‌توانیم ماعت را با آمد ناصر را مشخص کنیم ۱۳۷
- میری‌تان جبهه را گریبان گرفت ۱۳۸
- رفتی به جبهه به ناصر هم بگو، من تو سمنو خوردم ۱۳۸
- این جووری آدم را گول می‌زد ۱۳۹
- وصیت‌نامه شهید سیدناصر سیاهپوش ۱۳۹
- اسناد و مدارک ضمیمه ۱۴۷

آینه چهارم (شهید علی شاهرضایی)

- زندگی‌نامه شهید علی شاهرضایی ۱۵۹
- آخرین بار خیلی عجله داشت ۱۶۱
- دوشنبه‌ها به کارگران قرآن یاد می‌داد ۱۶۲
- وصیت‌نامه شهید علی شاهرضایی ۱۶۲
- در آموزش قرآن و معارف دین و همچنین علوم روز کوشا باشیم ۱۶۲
- دستمزد سوادآموزی ۱۶۳
- تاوان عاشقی ۱۶۳
- کتاب‌های سیاسی علی سر از پادگان درآوردند ۱۶۴
- حلالیت برای تهدید به ترور ۱۶۴
- من هم سرباز هستم ۱۶۵
- علی و ناصر در کام برق دانشگاه ۱۶۵
- محبت برادری ۱۶۶
- کاپشنی که نصیب پیرزن فقیر شد ۱۶۶



- شهادت لیاقت می‌خواهد ۱۶۷
- آئینه پنجم (شهید ابراهیم اصغری)**
- زندگی‌نامه شهید ابراهیم اصغری ۱۷۱
- پسرم ورزشکار بود ۱۷۴
- کمک به شهدای انقلاب اسلامی ۱۷۴
- پسرم به تنگ درس می‌خواند ۱۷۴
- تو دروازه‌ی قابل‌هستی ۱۷۵
- من ابراهیم را خیلی دوست داشتم ۱۷۵
- شعرهای ابراهیم در بازسرای زنجان گل کرد ۱۷۶
- صورت‌م دُمَل آه ۱۷۶
- هر لحظه منتظر خبر شدم او بودم ۱۷۶
- ابراهیم به من لبخند می‌داد ۱۷۷
- ابراهیم دیگر رفتنی است ۱۷۷
- مصاحبه ابراهیم قبل از عملیات کربلای ۴ ۱۷۸
- از دفترچه خاطرات شهید عباس محمد ۱۷۹
- او بود که عیب‌هایم را مانند آئینه به من نشان می‌داد ۱۷۹
- عباس جان، از خدا بخواه که مرا ساکن واقعی و همیشه جبهه‌ها بگردانند ۱۸۱
- در برخورد با مردم اخلاق بسیجی را رعایت کن ۱۸۵
- خداوند، دلی را که قرآن را دریافته معذب نمی‌کند ۱۸۶
- نمازها و دعا‌های این جا انسان را به یاد شب عاشورا می‌اندازد ۱۸۷
- برادرم، در عذابم که چرا نمی‌توانم مثل شماها در جبهه حضور یابم ۱۸۹
- از نصیحت برادران‌ات مرا بی‌نصیب مکن ۱۹۰
- وصیت‌نامه شهید ابراهیم اصغری ۱۹۱
- عباس را به شدت دوست دارم ۱۹۹
- می‌خواهم خودم را بسازم ۱۹۹
- هر که به این جا پا می‌گذارد پاک و بی‌آلایش می‌شود ۲۰۰
- خدایا، دوست دارم عارفانه بمیرم ۲۰۰
- خدایا، مرا نیز به سوی خودت بخوان ۲۰۱
- هر وقت قرآن می‌خواندم به یاد عباس می‌افتادم ۲۰۲
- از این که عباس مرا نصیحت کرد، خوشحال شدم ۲۰۲

- ۲۰۲..... می‌خواهم دنبال خوشبختی بروم
- ۲۰۳..... من این‌ها را برای چی می‌نویسم؟
- ۲۰۳..... بعضی‌ها می‌گویند دیگر جبهه نرو
- ۲۰۴..... خدایا، مرا با همه مهربان کن
- ۲۰۴..... خدایا، برادرم عباس را به شهادت برسان
- ۲۰۴..... خدایا، مرا در سختی بمیران
- ۲۰۵..... شکایت من از در، هجران است
- ۲۰۵..... خدایا، من برای جبهه تنگ شده‌ام
- ۲۰۷..... با خودم برار گذاشته‌ام که غذای لذیذ و آب سرد نخورم
- ۲۰۷..... از او می‌خواهم، ستری هم شود
- ۲۰۷..... خدایا، شوق رسیدن من جاریه‌ام دارم
- ۲۰۸..... خداوند! چندی است که برای پیدا کردن سوی میعادگاه عاشقانت آمده‌ام
- ۲۰۹..... وقت کم است باید عجله کنم
- ۲۰۹..... رزمندگان، سنگر را تبدیل به عبادتگاری می‌کنند
- ۲۱۰..... انسان مؤمن هیچ وقت از تعریف و ستایش خوشحال نمی‌شود
- ۲۱۰..... شهادت، همه وجودم را پر کرده است
- ۲۱۱..... کربلا، راهیان خسته از راه خواهند رسید
- ۲۱۲..... خدایا! این جا باید خودم را بسازم
- ۲۱۳..... من چقدر خوشبخت بودم که قرعه به نام من افتاد
- ۲۱۵..... جبهه بهترین ایام زندگیم بود
- ۲۱۵..... من در صورت عباس شهادت را می‌بینم
- ۲۱۶..... ساعتی دیگر، گم کرده‌ها گم شده خویش را خواهند یافت
- ۲۱۷..... خدایا، نفس مطمئنه را کی جستجو کنم؟
- ۲۱۸..... خدایا! نوشتن بر روی کاغذ را وسیله‌ای برای قرب تو یافته‌ام
- ۲۱۹..... عباس جان! وقتی خوشحالی، خوشحالم وقتی غمگینی غمگینم
- ۲۲۱..... مقالات، داستان، نمایش‌نامه
- ۲۲۳..... زندگی چیست؟
- ۲۲۵..... چرا باید به جنگ ادامه دهیم؟
- ۲۲۶..... بهمن
- ۲۲۹..... دختر فلسطین

۲۳۱	داستان آقای «روز».....
۲۳۲	طنز متهم به ایجاد وحشت.....
۲۳۵	داستان «اولدوز پسر قهرمان».....
۲۴۴	نمایش نامه انقلاب.....
۲۴۵	کاریکلماتور.....
۲۴۷	اسناد و مدارک ضمیمه.....
۲۵۵	اشعار.....
۲۵۷	عشق.....
۲۵۸	عاشقان.....
۲۶۲	با قصه خاتون.....
۲۶۵	که راه...؟.....
۲۶۹	نفس.....
۲۷۸	غصه بود قصه ما.....
۲۷۹	دلتنگی.....
۲۸۰	دوبیتی.....
۲۸۱	شهیدان.....

آینه ششم (شهید حامد مسیحا)

۲۸۵	زندگی نامه شهید حامد مسیحا.....
۲۸۸	قصه شهادت به روایت پدر شهید.....
۲۹۴	در نمازخانه آرامش بیشتری دارم.....
۲۹۵	یکی از دست نوشته‌های شهید حامد مسیحا.....
۲۹۶	تا آخر عمر باهانش رفیقم.....
۲۹۶	خاطرات خواهر شهید حامد مسیحا.....
۲۹۷	نامه خانواده شهید حامد به رهبر انقلاب.....
۲۹۸	نامه خانواده شهید حامد به قوه قضائیه.....
۳۰	اسناد و مدارک ضمیمه.....

آینه هفتم (شهید احمد علی طاهر خانی)

۳۰۷	زندگی نامه شهید احمد علی طاهر خانی.....
۳۱	نماز اول وقت.....



- کلاس فیزیک و شیمی ۳۱۰
- خانه امن است ۳۱۱
- تو هم برای من مرد هستی! ۳۱۱
- از همسرم قدردانی کنید ۳۱۲
- امدادهای غیبی ۳۱۲
- ناامیدی ساهاک ۳۱۳
- قدردانی از یک دوست ۳۱۳
- شهید طاهر بی یک نعمت بود ۳۱۴
- او نباید فعالیت مغفول می‌کرد ۳۱۴
- خود را بدهکار انقلاب می‌دانست ۳۱۴
- باران رحمت ۳۱۵
- می‌خواست علی‌وار زندگی کند ۳۱۵
- درخشش برق شوق در چشمانش تماشاایی بود ۳۱۶
- در راه انقلاب خیلی صدمه دید ۳۱۸
- هرگز خودش را از صحنه انقلاب کنار نکشید ۳۱۸
- هنوز جای خالی او در مجامع شهر، احساس می‌شود ۳۱۹
- وصیت‌نامه شهید احمدعلی طاهرخانی ۳۱۹
- منابع ۳۲۱
- آثار چاپ شده از همین مؤلف ۳۲۲

مقدمه

بی‌شک تحمیل ۸ سال جنگ نابرابر به ملت مسلمان و بزرگ ایران در امتداد جنگ ظالم و مظلوم، حق و ناحق، پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر رژیم ظالمانه پهلوی بوده است. بدون شناخت اهداف و حوادث انقلاب نمی‌توان درک درستی از دفاع مقدس داشت.

قبل از انقلاب، ایران در مابین طرح از نظر قدرت نظامی و از طرف دیگر مورد حمایت بیشتر کشورهای قدرتمند دنیا بود. تنها تضاد میان مردم و حکومت، تفاوت ایدئولوژیکی بود. به همین خاطر می‌توان گفت: ریشه انقلاب ایران، ریشه فکری و ایدئولوژیکی داشت و بنیان‌گذاران انقلاب، متفکران، نویسندگان، شاعران، اندیشمندان، عالمان دینی و استادان، دانشجویان دانشگاه‌ها بودند. اندیشه و اسناد زندانیان سیاسی و شهدای انقلاب در رژیم گذشته، خود گواه بر این موضوع هستند.

در بیشتر انقلاب‌های جهان، انقلابیون مورد حمایت یک کشور قدرتمند خارجی بودند و بعد از پیروزی هم مدت‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم توسط آن اداره می‌شدند. ولی در انقلاب ایران نه تنها هیچ حمایتی وجود نداشت بلکه مقابل همه جانی‌های هم وجود داشت. در هر صورت، ملت ایران تنها با اتکا به نیروی الهی، بر رژیم قدرتمند پهلوی غلبه کرده و پیروز شدند.

حال دو کشور شیعه و قدرتمند از نظر نظامی و اقتصادی و فکری در همسایگی هم قرار گرفته‌اند و هر دو مدعی مبارزه با امپریالیسم و تفکر صهیونیستی هستند. این برای اهداف کشورهای استعمارگر غربی، بسیار خطرناک است و به هر طریق ممکن هر دو کشور باید به نوعی تضعیف گردند.



غربی‌ها از جهالت و بلندپروازی‌های صدام حسین، رئیس‌جمهور عراق که ادعای رهبری جهان عرب را در سر می‌پروراند، سوءاستفاده کردند و در ظاهر به بهانه مناقشات مرزی و پاره کردن قطعنامه ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام حسین، ولی در واقع برای نابودی هر دو کشور ایران و عراق آتش جنگ را برافروختند و جوانان غیرتمند ایران اسلامی، چاره‌ای جز دفاع در برابر متجاوزان نداشتند و به همین دلیل آن را «دفاع مقدس» می‌نامند.

این جنگ با تمام تلخی‌ها و شیرینی‌هایش ۸ سال به طول انجامید. و جوانان ایران، تنها با بجاعت، ایثار، مقاومت، نیروی ایمان و عشق به اسلام و انقلاب و امام خمینی (ره) توانستند متجاوزان را از خاک ایران بیرون برانند و با اجرای عملیات‌های گسترده و تهدید دشمن به نخست صدام و حامیانش را وادار به قبول خواسته‌های خود نمایند و سازمان ملل را که به هیچ کدام از وظایف خود در طول جنگ عمل نکرده بود، وادار کنند تا قطعنامه ۵۹۸ را به تصویب برساند که منجر به پایان جنگ گردید. در این جنگ نابرابر برای اولین بار حتی یک وجب از خاک ایران به دست دشمنان نیفتاد و دشمن به هیچ کدام از اهداف از پیش تعیین شده‌ی خود نرسید. به همین خاطر ما مدعی «پیروز میدان جنگ ایران و عراق» هستیم.

هر جنگی پیامدهای فراوانی از شکست و پیروزی به همراه دارد. ولی از همان لحظه‌ای که اسلحه‌ها خاموش می‌گردند تازه قلم‌ها به حرکت در می‌آیند. رسالت قلم‌ها بعد از جنگ، کمتر از رسالت اسلحه‌ها در جبهه‌های مقدم جنگ نیست. چه بسا قلم‌های آلوده‌ای تمام زحمات و دست‌آوردهای یک جنگ با عظمت را از بین ببرند. جنگ علاوه بر خشونت‌های میدان جنگ، معجزه عظیمی از تجربیات، معارف، ادبیات، هنر و فرهنگ را دربردارد که گنجینه‌ای گران‌بهایی محسوب می‌شوند و در تمام دنیا برای حفظ آن‌ها تلاش‌های فراوانی انجام می‌گیرد. امروز، حفظ یادمان‌ها و موزه‌های جنگ از ابزارهای مهم گردشگری جهان هستند که علاوه بر حفظ ارزش‌های دفاعی کشورها، یکی از ابزارهای سرمایه‌ای در صنعت توریست هستند.

علاوه بر این‌ها بیان واقعیت‌های تاریخی به صورت صادقانه، حق نسل‌های بعدی دنیا است. تاریخ، آینه‌ی انسان‌ها، برای پی بردن به واقعیت‌های اجتماعی

است و انتخاب راهی که خود می‌پسندند. آینه‌ی تاریخ هرچه بی‌غبارتر باشد فهم و درک آن نیز بهتر و راحت‌تر خواهد بود. ما امروز با همین هدف، خلاصه‌ای از دریای بیکران اندیشه‌های ۷ شهید دانشجوی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین را تحت عنوان «آینه‌های بی‌غبار» ارائه می‌نماییم تا آینه‌ای باشد برای دیدن حقیقت انسانی در طول تاریخ.

در خانواده از سعه‌عزیزانی که در فراهم آمدن این اثر سهیم بودند تشکر فراوان داریم. از جمله: خانواده‌های محترم شهدا، جناب آقای عبدالعلی آل‌بویه ریاست سابق و هم‌اکنون دکتر سید ابوالحسن نایینی ریاست محترم دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، جناب آقای فرزاد جهان‌بین معاون فرهنگی سابق و دکتر عبدالرزاق حسامی فرماندار محترم فرهنگی دانشگاه، برادران بزرگوارم حمید حیدری، امیر گروسی در مدیریت امور فرهنگی دانشگاه و دوست خوبم آقای سینا پاشایی، مشاور تدوین این اثر.

کامبیز فتحی لوشانی

زمستان ۱۳۹۴